

زمین پست

به میا لاهیری

برگردان: نیلزه جلالی

نشر البرز

تهران - ۱۳۹۲

سرشناسه: لاهیری، جومپا

Lahiri, Jhumpa

عنوان و نام پدیدآور: زمین پست / نویسنده: جومپا لاهیری؛ مترجم: منیژه جلالی

مشخصات نشر: تهران: البرز، ۱۳۹۲

مشخصات ظاهری: ۴۸۸ص. ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

بارک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۴۲-۸۷۴-۶

نوعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: The lowland: a novel, c 2013

موضوع: داستان‌های آمریکایی-- قرن ۲۰م.

شناسه افزوده: سی ۱۳۲۰. مترجم.

رده‌بندی کتاب: APS: ۱/الف ۸۵ از ۱۳۹۲

رده‌بندی دیویدی: ۸۱۱

شماره کتابشناسی: ۳۴

این کتاب برگردانی است از:

The Lowland

Jhumpa Lahiri

انتشارات البرز

ویراستار: اصغر اندرودی امورفتی: مهراوه فیروز حر و پینی: شبستری

صفحه آرا: لیلا هادی‌زاده چاپ اول: زمستان ۱۳۹۲ شمارگان: ۱۱ نسخه

لیتوگرافی: صحیفه نور چاپخانه: کاج قیمت: ۱۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۴۲-۸۷۴-۶ ۹۷۸-۹۶۴-۴۴۲-۸۷۴-۶ ۹۶۴-۴۴۲-۸۷۴-۶ ۹۶۴-۴۴۲-۸۷۴-۶

همه حقوق چاپ و نشر این ترجمه برای نشر البرز محفوظ است.

تکثیر، انتشار و بازنویسی این ترجمه یا قسمتی از آن به هر روش بدو

مجاز کتبی از ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

مرکز توزیع: پخش البرز - تلفن: ۲۶۴۱۱۰۰۹ - ۲۶۴۱۱۱۴۵-۶

نشر البرز: خیابان دکتر بهشتی، بین چهارراه اندیشه و سهروردی، ساختمان شماره ۶۸،

تلفن و نمابر ۸۸۴۰۵۱۸۲ - ۸۸۴۱۷۴۴۶

WWW.ALBORZPUBLICATION.COM

INFO@ALBORZPUBLICATION.COM

در قاشگاه تولی^۱، جاده دس پیرن سشمل به دو قسمت تقسیم می شود. در آنجا مسجدی کوچک قرار دارد. پیچی، جاده را به محلی محصور و آرام می رساند. منطقه ای با کوچه های باریک و تعدادی خانه های متعلق به طبقه متوسط

در این منطقه مور، زمانی، دو تالاب وجود داشت، به درازا در کنار یکدیگر. پشت آن بینی است بود که مساحت آن به چند هکتار می رسید. پس از موسم بارندگی، تالاب ها آن قدر بالا می آمدند که دیوار خاکی ساخته شده در میان آن ها بکمر می خورد. زمین پست نیز با ژرفای حدود یک تا یک و نیم متر از آب باران پر می شد و بخشی از سال به همان شکل باقی می ماند.

دشت سیل گرفته از سنبل های آبی پر می شد. آب های شناور با سرعت زیادی رشد می کردند. برگ ها موجب می شدند سطح دریا جامد به نظر برسد - سطحی سبزرنگ در تضاد با آبی آسمان.

آلونک های ساده، اینجا و آنجا امتداد حاشیه دیده می شد. فقرا برای به چنگ آوردن هرچه خوردنی بود به زحمت خود را به آب می افکند. می رساندند. در پاییز، حواصیل ها می رسیدند. پرهای سفید آن ها به دوام شهر سیاه می شد، آن ها بدون حرکت برای شکار خود به انتظار می ماندند.

در آب و هوای مرطوب کلکته، تبخیر به کندی انجام می شد. ولی

سرانجام، خورشید بیشتر سیلاب را می سوزاند و زمین نمناک را دوباره نشان می داد.

خیلی وقت ها، ساباش^۱ و یوداین^۲ برای گذشتن از راهی میانبر که به دشتی در حاشیه مجاور می رسید، سراسر زمین پست را می پیمودند. آن دو برای وتال بازی کردن به آن دشت می رفتند و در حالی که هوای نمناک را به درون سینه می کشیدند برای دوری کردن از چاله های آب، روی پوشش هایی که از برگ های نخل تشکیل شده و باقی مانده بودند، پا می گذاشتند. مو و دات در آنجا تخم می گذاشتند که می توانستند فصل خشک را تاب بیاورند. دیگر موجودات با مدفون کردن خود در میان گل ها، در حالی که وانمود می کردند سرد شده اند، زنده می ماندند، و بازگشت باران را انتظار می کشیدند.